فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۳۳، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۹۲-۱۷۹ **New Period 4, No 33, 2021, P 179-192**
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) **ISSN (2476-7018)**

بررسی نقش سپاه قدس در عقب‌نشینی داعش از سوریه با تاکید بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مهدی ذالفقاری
کارشناس ارشد علوم سیاسی

چکیده

خاورمیانه همواره با بحران‌های سیاسی و اجتماعی مواجه بوده است. بیداری ملت‌های مسلمان در کشورهای عربی، آغازگر تغییرات اساسی در برخی از این کشورها شده است که بی‌شک پیامدهای منطقه‌ای و بین المللی مهمی به دنبال داشته است. تحولات موسوم به بیداری اسلامی و پیامدهای قابل توجه آن در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی معادلات سیاسی را در خاورمیانه، دستخوش تغییر کرده است. نقش بارز گروه‌های بنیادگرای اسلامی و تروریستی مانند القاعده و داعش در تحولات اخیر به ویژه در جنگ داخلی سوریه و بحران عراق، سیمای سیاسی خاورمیانه را به کلی دگرگون کرده است. تحولات این منطقه از مهمترین موضوعات بین‌المللی طی سالیان گذشته بوده است. از جمله کشورهایی که دچار بحران و تحول گردید دو کشور عراق و سوریه هستند که در روند تحولات این کشورها بجز مخالفان داخلی، سایر کشورها از جمله بازیگران منطقه ای همچون عربستان، قطر، ترکیه، اسرائیل تأثیرگذار بوده‌اند و کشورهای فرامنطقه ای از جمله آمریکا در این کشور حضور نظامی داشتند و منجر به گسترش تروریسم، خشونت و ناامنی در این کشورها گردید. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که تلاش سپاه قدس سبب شکست‌های پیاپی گروه‌های تروریستی در منطقه گردید و این گروه در کشور سوریه و عراق ب نقش مهمی در مبارزه با تروریسم داشته است.

واژه‌های کلیدی: سپاه قدس، خاورمیانه، سوریه، عراق، داعش، تروریسم، امنیت، جمهوری اسلامی ایران

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

۱-۱) اهمیت و ضرورت تحقیق

سپاه قدس به عنوان گروه مطرح در سطح منطقه و فرامنطقه بوده است و وزنه مهمی در مبارزه با تروریسم دارند. تلاش های بی وقفه سپاه قدس سبب شکست داعش و گروه‌های تروریسی در منطقه گردید. به همین سبب بررسی جایگاه سپاه قدس در سطح منطقه از اهمیت بسیاری برخوردار است.

۱-۲) روش تحقیق

پژوهشگر داده‌های جمع‌آوری شده را با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی، خلاصه و طبقه‌بندی می‌کند. به عبارت دیگر در تجزیه‌وتحلیل توصیفی، پژوهشگر ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده را با تهیه و تنظیم توزیع فراوانی خلاصه می‌کند و سپس به کمک نمودار آنها را نمایش می‌دهد و سرانجام از سایر شاخص‌های آمار توصیفی آنها را خلاصه می‌کند. معروفترین و در عین حال پر مصرفترین شاخص‌های آمار توصیفی عبارتند از: میانگین، میانه و انحراف استاندارد.

۱-۳) مباحث نظری:

۱-۳-۱) امنیت

مطالعه پیرامون امنیت در کانون مباحث روابط بین‌الملل نیز قرار دارد و در یک کلام امنیت را می‌توان محور تمامی مباحث حوزه روابط بین‌الملل دانست (جکسون، ۱۳۸۳: ۱۸) به گونه‌ای که برخی از کارشناسان روابط بین‌الملل را تلاش واحدهای سیاسی برای افزایش توان مندی‌ها و امکانات برای رسیدن به وضعیت امن در مقابل سایر بازیگران تعریف کرده‌اند. (افتخاری، ۱۳۸۲: ۲۲) درباره امنیت و معانی متفاوت آن، تاکنون بحث‌های فراوانی صورت گرفته است. ازدیرباز طرح مفهوم امنیت، به کارگیری نیروهای نظامی و استفاده از تجهیزات نظامی را به اذهان متبادر می‌ساخت. (عطارزاده، ۱۳۷۷: ۸۴) تعریف فرهنگ لغات از امنیت به معنی عام عبارت است از: "در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت‌شدن". اما در ادبیات سیاسی، بیشتر نویسندگان معتقدند که امنیت، مفهومی مورد اختلاف است. با این حال شاید معروفترین تعریف از امنیت : رهایی از تهدیدات در قبال ارزش های بنیادین (هم برای افراد هم برای گروه‌ها) باشد. (بیلیس، ۱۳۸۳: ۵۷۰) امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به کار گرفته شده که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد و یا گروهی از مردم به دنبال آن هستند. هر چند برخی متفکران چون باری بوزان، بر این باورند که مفهوم امنیت به رغم کاربرد عامی که در روابط بین‌الملل و دیگر رشته‌ها دارد و به نظر می‌رسد که به‌عنوان یک مفهوم سازمان‌یافته محوری از سوی سیاستمداران ومحققان مورد پذیرش قرار گرفته باشد، با ادبیات شدیدا نامنسجمی روبروست. (بیلیس، ۱۳۸۳: ۵۷۱). به هر حال تا ظهور نگرانی‌های اقتصادی و محیطی در خلال دهه ۱۹۷۰، مفهوم امنیت به ندرت به غیر از سیاست به منافع بازیگران خاصی اشاره می‌کرد و تا اواخر دهه ۱۹۸۰، در مباحث امنیت

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

محوریت بعد نظامی هنوز مورد تأکید بود. براساس نظر بوزان، صرف نظر از آثار اصلی فوق، یک فرد فقط می‌تواند تعداد معدودی از مباحث مفهومی دیگر را در مورد امنیت که قدیمی‌تر از آنچه که به وضوح در ابتدای دهه ۱۹۸۰ آغاز گردید، بیابد. فقط از این مقطع، ابعاد بیش‌تری (نظیراقتصادی، محیطی و غیره) به تعریف امنیت اضافه گردید. ویژگی‌های کاربرد سنتی این مفهوم، در نظر بسیاری از کارشناسان، مبتنی بر دو مفروض مهم است:

۱. تهدیدات نسبت به دولت‌ها که بر این اساس، تهدید امنیتی به صورت اساسی از مرزهای خارجی ظهورمی کند.

۲. این تهدیدات اساسا، اگر نه انحصارا، دارای ماهیت نظامی و معمولا نیازمند واکنش نظامی است. هر چند وارد کردن مسأله وابستگی متقابل در مطالعات امنیت توسط بوزان و دیگران، حوزه جدید پژوهشی را ایجاد نمود؛ اما کار برد سنتی آن کاملا از بین نرفته است. در این جا برخی از مهمترین مفاهیمی که در زمینه تبیین مفهوم امنیت مطرح شده ارائه می گردد. به اعتقاد رابرت مک نامار ناامنی نوعی فقدان و نارسایی است که منجر به شورش، اغتشاش داخلی، خشونت و گسترش افراط گرایی، می‌گردد. امنیت‌یعنی توسعه؛ اما نه توسعه نظامی. امنیت نه زور است و نه فعالیت‌نظامی؛ بلکه امنیت توسعه است.

ـ رابرت جرویس[1] وی ایده جذاب رژیم‌های امنیتی را معرفی نمود که توجه را از دولت، به سطح تحلیل‌سیستم، منتقل نمود.

ـ گیرت کرل[2] تلاش نمود تا نقد محدودی از مفاهیم نظامی افراطی امنیت را از چشم‌انداز مطالعات صلح، انجام دهد.

ـ ایان بیلانی[3] امنیت فی نفسه، آزادی نسبی از جنگ و با این انتظار برتر توام می‌باشد که مغلوب کردن، نبایستی ناشی از جنگ باشد.

ـ جان‌مروز[4] امنیت، عبارت است از: آزادی نسبی از تهدیدهای خطرناک.

ـ فرنک تراگر امنیت ملی، به آن بخش از سیاست حکومت اطلاق می‌شود که به‌عنوان هدف ایجاد شرایط، مطلوب سیاسی ملی و بین‌المللی جهت‌حمایت یا توسعه ارزش‌های ملی حیاتی علیه موجودیت و توان حریفان، مورد توجه قرار گرفته است. (Trager , Michael, 1973:37)

ـ آرنولد ولفرز[5] معیار امنیت از لحاظ عینی فقدان تهدید در قبال ارزش‌های اکتسابی است و از لحاظ تجریدی نبود ترس از اینکه این ارز ها مورد هجوم قرار خواهد گرفت. (بیلیس، ۱۳۸۳: ۵۷۲)

عناصر اصلی که تقریبا در تمام تعاریف امنیت مشاهده می‌گردد، ارزش‌ها، خطرات یا تهدیدهاست. هم ارزش‌های عمومی و هم تهدیدهای عمومی، احتمالا به رهیافت امنیت جمعی در میان کشورهای مستقل

1. Robert Mcnamara
2. Gert Krel
3. Robert jervis
4. JohnE. Mroz
5. Arnold WolFers

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

منجر می‌گردد. بوزان، که رهیافت مفهومی وسیعی را در مورد مسأله امنیت ارائه داده، اصطلاح امنیت را یک مفهوم توسعه نیافته تلقی می‌کند. (بوزان، ۱۳۷۸ : ۲۶) به نظر او، بیش‌تر ادبیاتی که برای توضیح یا تحلیل امنیت تلاش نموده و دربرخی جهات هنوز نیز ادامه دارد، بر مبنای مفاهیم قدرت و صلح که به وسیله متفکران ایده‌الیست و رئالیست مطرح شد، مبتنی می‌باشد. تا دهه ۱۹۸۰، این دو رهیافت، تفکر مسلط در مسأله امنیت ملی بود. رئالیست‌ها تمایل‌داشتند که امنیت را به عنوان پدیده‌ای منبعث از قدرت مورد توجه قرار دهند: یک بازیگر با دارا بودن قدرت کافی برای دستیابی به موقعیت مسلط، به امنیت (به‌عنوان نتیجه) دست می‌یابد. تلقی که یک رئالیست ارائه می‌دهد، زمانی به سادگی قابل فهم خواهد شد که قدرت در مفاهیم شدیدا محدودی که مورگنتا[1] ترسیم نموده، تعریف گردد. ایده‌آلیست‌ها به این امر گرایش داشتند که امنیت را به‌عنوان برایند صلح مشاهده نمایند: صلح پایدار امنیت همگانی را تأمین می‌کند. (بیلیس، ۱۳۸۳: ۳۲۴)

۲-۳-۱) تروریسم[2]

ترور در لغت به معنای وحشت و ترس زیاد است و در اصطلاح به«حالت وحشت فوق‌العاده‌ای اطلاق می‌شود که ناشی از دست‌زدن به خشونت و قتل و خونریزی از سوی یک گروه، حزب و یا دولت به‌منظور نیل به هدف‌های سیاسی، کسب یا حفظ قدرت است.» (آقا بخشی، ۱۳۷۹: ۵۸۳)

در نتیجه اشخاصی که دست به ترور می‌زنند تروریست نامیده می‌شوند، ترور را بیشتر در صدمات جسمانی و در ارتباط با زور و خشونت تلقی کرده‌اند، حتی در سال۱۷۹۳در مجمع ملی انقلاب فرانسه«ترور به‌عنوان یک قانون به تصویب رسید و در همان سال در حمله‌ی موسوم به ترور اول، رقمی بیش از۲۰هزار نفر از جمله تعداد فراوانی روحانی مسیحی و هوادار سلطنت خودکامه در سراسر فرانسه کشته شدند.» (طیب، ۱۳۸۲: ۲۰) با این‌حال برای بررسی دقیق‌تر خوبست بدانیم که مفهومی بنام "ترور شخصیت" یا "ترور روانی" هم داریم که در آن حیثیت و روح و روان افراد هدف تروریست‌ها قرار می‌گیرد: «ترساندن و تهدید افراد از طریق هدف قرار دادن روحیه، حس شهامت و اعتبار آنها» تروریسم از جمله مفاهیم پیچیده و مبهمی است که به دلیل تنوع مصادیق آن، عرضه تعریف واحدی که بتواند ابعاد ارزشی موضوع را (مبنی بر محکومیت نظری و عملی تروریسم) پوشش دهد، عملاً غیر ممکن ساخته است. به همین دلیل است که هم اکنون در تمییز بین اقدامات تروریستی از مقاومت‌های مشروع ملی دشواری‌های زیادی بوجود آمده که به طور طبیعی صدور حکمی واحد را برآنها مانع می‌شود. بر این اساس تروریسم به کاربرد خشونت در راستای نیل به اهداف سیاسی قابل اطلاق است که متوجه غیرنظامیان و یا افراد نظامی در غیرموقعیت جنگی، می‌باشد. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ، ۱۳۸۴: ۱۲۲) دفتر مطالعات سیاسی، این تعریف جنبه

1. Morgenthau
2. terrorism

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

ارزشی (مبنی بر طرد یا تأیید تروریسم) ندارد و صرفاً بعد توصیفی آن را شامل می‌شود که در شناسایی گونه‌های مختلف ترور و طراحی مدارهای تروریسم، کاربرد دارد. مفهومی بنام رژیم ترور هم داریم که مربوط به دولت تروریست است که ممکن است عرصه‌ی فعالیت‌های تروریستی آنها به خارج از مرزها هم راه یابد. هر کجا مخالفی باشد یا به زعم این رژیم، تهدیدکننده‌ی موجودیت، اهداف، منافع و. . . آنها باشد، شخصیت حقیقی یا حقوقی باشد، مورد ترور جسمانی و روانی قرار می‌گیرد:«رژیم ترور نیز به رژیمی اطلاق می‌شود که از طریق ایجاد وحشت، حبس و کشتار مخالفان خود، حکومت می‌کند.» (آقا بخشی، ۱۳۷۹: ۵۸۴)

شاید این تعریف کمی جامع‌تر از دیگر تعاریف باشد که در سال ۱۹۹۰ وزارت دفاع آمریکا ارائه داد: «کاربرد غیرقانونی یا تهدید به کاربرد زور یا خشونت بر ضدافراد یا اموال برای مجبور یا مرعوب ساختن حکومت‌ها یا جوامع، که اغلب به قصد دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می‌گیرد.» (طیب، ۱۳۸۲: ص۲۲) اگرچه نمی‌توان اهداف اقتصادی، نظامی، توسعه‌طلبانه‌ی امپریالیستی و. . . را برای کاربرد ترور نادیده گرفت و نیز مفهوم ترور روانی را که نوعی حمله‌ی تدریجی به شخصیت و حیثیت افراد است. از منظر اسلام حتی در دفاع مشروع هم، کشتن افراد بیگناه، تعقیب فراریان، کشتن اسیران، زنان، کودکان و از این فراتر تخریب جنگل‌ها، درختان، آلوده‌کردن آب‌ها، تعرض به ناموس مردم و پرده‌دری مجاز نمی‌باشد، پیامبر (ص) در حدیثی فرمودند: «الایمان قیدالفتک» (رضوانی، ۱۳۸۵: ۱۸) ایمان از ترور جلوگیری کرده است. در مجموع ترور چه در نوع دولتی یا شخصی آن باشد، کاربرد خلاف یا غیرقانونی. یا غیرشرعی از زور و خشونت برضد افراد یا اموال یا حتی منابع طبیعی را در برمی‌گیرد و این در جوامع انسانی خواهان فضیلت و در جهان اسلام مطرود است. (رضوانی، ۱۳۸۵: ۱۱۹)

۳-۳-۱) گفتمان های هویتی تروریسم

به نظر «لاکان»، گفتمان که از طریق آن سوبژه، هویت خود را می‌یابد و همیشه درباره‌ی دیگری است به نظم نمادینی مربوط است که از سوبژه فراتر می‌رود و کل تاریخ آن را یکنواخت می‌کند؛ بنابراین، گفتمان، عاملی است که با آن سوبژه تولید و نظم موجود نیز حفظ می‌شود. (ساراپ، ۱۳۸۲ : ۵۵-۵۶) گفتمان، از منظر «لاکلا» و «موفه»، نیز چنین جایگاهی را دارد با این تفاوت که به جای مفهوم ساخت یابی از واژه‌ی «مفصل بندی» سود می‌جویند تا بر پروژه‌ای بودن گفتمان تأکید کنند. نزد این دو، مفصل بندی، کنشی است که رابطه‌ای را میان عناصر گوناگون پدید می‌آورد؛ به گونه‌ای که هویت آنها، در اثر این کنش تغییر می‌کند؛ به عبارت دیگر، هویت هر گفتمانی، با رابطه‌ای که میان عناصر گوناگون پدید می‌آید، شکل می‌گیرد؛ مانند گفتمان تروریستی القاعده که هویت خود را با تکیه بر عناصر دینی و فرهنگی اسلامی شکل داده است. در این فرآیند، عناصر هویت فردی مشخص می‌شود، تا به مثابه‌ی کلیتی از یک ساختار به شمار آیند؛ بنابراین، نزد این دو، هویت گفتمان، هویتی رابطه‌ای و پیوندی است. آنها معتقدند که گفتمان‌ها

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

قادر به قبض و بسط مفاهیم و هویت ها نیستند؛ بنابر این، هویت‌های اجتماعی و سیاسی محصول گفتمان‌ها به شمار می‌آیند.

گفتمان‌های تروریستی غالباً بر هویت‌هایی متکی‌اند که از منابع دینی و فرهنگی تغذیه می‌کنند. گفتمان هویتی تروریستی تا حد زیادی ویژگی نمادین روابط اجتماعی را به تصویر می‌کشد. مانند گفتمان هویتی القاعده، که ویژگی نمادین اسلام را در روابط اجتماعی خود به مثابه ی یک فرآیند یا یک کل در نظر می‌گیرد. این نمونه‌ها، همگی در چهارچوب سازه انگاری و تأکید بر هویت کنشگران تأیید می‌شود. از نظر «فوکو»، هویت‌های اجتماعی وجود دارند و اشخاص آنها را کسب و مطالبه می‌کنند و در چهاچوب مناسبت‌های قدرت سیاسی به آنها تخصیص داده می‌شوند. بر سر هویت کشاکش در می‌گیرد و به واسطه‌ی آن، ترفندها پیش برده می‌شوند. در سیاست، هویت هم وسیله است و هم هدف، (تاجیک، ۱۳۸۳: ۷۰) مانند هویت دینی بسیاری از سازمان‌های تروریستی در خاورمیانه که بیشتر اوقات هم وسیله است و هم هدف (القاعده). در رابطه‌ی نظری میان «تروریسم، هویت و دین»، «تاجفل»[1]هویت اجتماعی را باعضویت گروهی پیوند می‌زند و عضویت گروهی را متشکل از سه عنصر می‌داند: عنصر شناختی (آگاهی از این موضوع که فرد با یک گروه تعلق دارد) عنصر ارزشی (فرض‌هایی درباره‌ی پیامدهای ارزشی مثبت یامنفی عضویت گروهی) و عنصر احساسی (احساسات نسبت به گروه ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی). براین اساس، از دیدگاه «تاجفل»، هویت های اجتماعی عبارت است از آن بخش از برداشت یک فرد از خود، که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. همراه با اهمیت ارزشی و احساسی منظم به آن عضویت، در واقع، هویت معطوف است به بازشناسی مرز میان خودی و بیگانه که هویت تروریستی بعضی گروه‌ها بر مبنای دین صورت می‌گیرد. (تاجیک، ۱۳۸۳ : ۵۲)

٤-۳-۱) تروریسم و مباره با آن

تروریسم پدیده شومی است که امنیت نوع بشر در دنیای معاصر را به طور جدی به خطر افکنده و در این راستا تلاش‌های گسترده و فراوانی در راه مبارزه با آن انجام شده است هیچ تعریف واحدی از تروریسم وجود ندارد. تعریف تروریسم بنا به دلایل سیاسی و ایدئولوژیک بسیار مشکل است. در واقع مرز مشخص و روشنی میان تروریسم و دیگر اشکال خشونت سیاسی نظیر جنگ، مناقشه، انقلاب، مداخله، شورش، نافرمانی و مانند آن وجود ندارد. «اگر چه پیشینه تروریسم به قرون قبل باز می‌گردد ولی واقعیت آن است که چنین پدیده‌ای در قرن بیستم رشد فزاینده ای یافته است. علت چنین وضعیتی را می‌توان در عوامل متعددی جستجو کرد که رشد فناوری ساخت تسلیحات دارای قدرت خطرناک، توسعه حیرت‌آور فناوری ارتباطات و جهانی شدن از جمله چنین عللی هستند. در میان این علل، جهانی شدن دارای نقش مضاعف است، چرا که از طرفی قدرت فناورانه تروریست‌ها را افزایش داده و از طرف دیگر زمینه حساسیت و

1. Tojfel

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

واکنش نسبت به تغییرات فرهنگی و یا حتی نابودسازی فرهنگ‌ها را فراهم نموده است که تروریسم خشن‌ترین واکنش مذکور به آن به شمار می‌رود.» (عبدالهی و کیهانلو، ۱۳۸۴ :۷۴)

این تحولات نه تنها بر میزان و تعداد عملیات تروریستی تأثیر شگرفی گذاشته بلکه سبب گردیده تا علاوه بر اشکال تروریسم سنتی، در دهه‌های اخیر اشکال نوینی از سازمان‌های تروریستی پدید بیاید که از نظر ساختار، تاکتیک، ایدئولوژی و هدف با گروه‌های سنتی تروریستی به طرز قابل توجهی تفاوت دارد و در راستای اقدامات ارعابی خود از فضای سایبر، فناوری‌های زیستی و تسلیحاتی نوین استفاده می‌نمایند که امر مبارزه با تروریسم را با پیچیدگی‌های فراوان مواجه می‌سازد. در راستای مبارزه با تروریسم نهادهای مختلف سازمان ملل نظیر شورای امنیت، مجمع عمومی، کمیسیون حقوق بشر، شورای اقتصادی، اجتماعی و دیگر نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی مانند آسه آن، سازمان کشورهای آمریکایی، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب، اتحادیه آفریقا و. . . اقدام به صدور قطعنامه های متعدد نموده و از رهگذر تلاش فراوان ۱۹ کنوانسیون و پروتکل بین‌المللی در راستای مبارزه با تروریسم تدوین شده است. در زمینه مبارزه عملیاتی، تحولات بسیاری به خصوص اقداماتی که شورای امنیت انجام داده را شاهد هستیم. پیش از واقعه ۱۱ سپتامبر به فراخور حوادث رخداده قطعنامه‌هایی توسط شورای امنیت به تصویب می‌رسید؛ شورای امنیت در خصوص سقوط هواپیمای پان امریکن در سال ۱۹۹۲ قطعنامه ۷۴۸ و در سال ۱۹۹۳ قطعنامه ۸۸۳ را خطاب به دولت لیبی و در ۱۹۹۹ قطعنامه ۱۲۶۷ مربوط به تحریم رژیم طالبان و گروه القاعده به سبب اقدامات تروریستی و حمایت و تأمین مالی آنان را به تصویب رساند. رژیم تحریم‌های ایجاد شده در این خصوص اقداماتی چون ممنوعیت مسافرت، انسداد اموال و تحریم تسلیحاتی را در برمی‌گیرد. واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را باید نقطه عطفی در نظام امنیت دسته جمعی ملل متحد دانست که به طور طبیعی آثار چنین دگرگونی‌هایی بر بیشتر حیطه‌های حقوق بین‌الملل مشهود بوده و هست. در قطعنامه ۱۳۷۳ مورخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱، ضمن تأیید مجدد تروریسم به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی، با به کارگیری الفاظی عام بدون ذکر وضعیتی خاص و فارغ از زمان و مکان معین، از همه دولت‌های عضو ملل متحد خواسته می‌شود تا ضمن جرم‌انگاری اقدامات تروریستی و ممانعت از حمایت مالی و ایجاد فضایی برای رشد این اقدامات به وسیله تمام ابزارها و طرق قانونی با تروریسم مقابله نمایند. (فتح پور، ۱۳۹۶: ۲۲۳)

٤-١) منافع آمریکا از بحران‌سازی در منطقه خاورمیانه

غرب به رهبری آمریکا منافع زیادی از بحران ادواری و مستمر در خاورمیانه دارد چرا که با فرسایش شدن بحران، کشورهای منطقه تضعیف و زمینه حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای تسهیل می‌شود؛ اسرائیل می‌تواند قدرت اول باشد؛ نفت با قیمت ارزان‌تر و با شرایط بهتر صادر شود و کشورهای تضعیف‌شده برای اجرای وظایف‌شان از جمله تأمین امنیت و رفاه، بیش از پیش وابسته اروپا و آمریکا می‌شوند و در این راه حاضرند خاک خود را در اختیار آنها قرار دهند و از حاکمیت خود چشم‌پوشی کنند. تضعیف دولت سوریه در این

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

چارچوب قابل توجیه است. رویکرد طرح غربی ـ عربی در جهت فشار بر دولت سوریه و حمایت از مخالفان مسلح را می‌توان از این چشم‌انداز بررسی کرد. عراق هم نمونه دیگری است که غرب می‌کوشید حضور خود را در آن موجه جلوه دهد. به‌طور کلی بحران‌های ادواری مجوزهای ورود آمریکا برای مداخله در خاورمیانه و شمال آفریقا و دیگر مناطق را بر اساس نظریه‌های مداخله بشردوستانه، جنگ عادلانه، دفاع تلافی‌جویانه و ضربه پیشگیرانه برای مدیریت بحران فراهم می‌کند. در فرآیندهای معطوف به بحران، آمریکا می‌کوشد با بهره‌گیری از نیروهای مخالف وضعیت موجود، در برخی از منافع حاصل از بحران شریک شود. در این چارچوب، منافع آشکار و پنهان گروه‌های ذی نفوذی همچون سرویس‌های اطلاعاتی ـ امنیتی، کمپانی‌های اسلحه‌سازی، شبکه‌ها و رسانه‌های خبری، بنگاه‌های سخن‌پراکنی و نهادهای مذهبی صهیونیستی قابل اشاره است که در یک فرآیند هم‌سو با غرب عمل می‌کنند. (نجات، ۱۳۹۴ : ۶۴)

۵-۱) نوع بحران سوریه

یکی از مهمترین بحران‌های بین‌المللی که در حال حاضر به صحنه بازی و کنشگری قدرت های بزرگ تبدیل شده است، بحران سوریه است. از لحاظ بروز بحران و ایجاد آشوب در نظام تک- چند قطبی، باید گفت که تهدید جهانی ناشی از برخورد ویران‌کننده قدرت‌های بزرگ جای خود را به منازعات محلی، ملی و شبه منطقه‌ای داده است. بدین ترتیب، مرکز ثقل بحران‌ها از سطوح بالای نظام بین‌المللی به سطوح پایین تر منتقل شده است. بنابراین، بحران‌هایی که در سطح ملی، محلی و شبه منطقه‌ای رخ می‌دهند، در حال حاضر فراگیرترین و شایعترین نوع بحران است. ماهیت بحران‌های اخیر بین‌المللی مانند بحران تونس، لیبی، مصر، سوریه، عراق و اوکراین نشان داده اند که منشأ اکثر بحران‌ها از درون دولت‌های ملی برمی خیزد. بحران‌های بین‌المللی به سه نوع بحران ژئوپلیتیک، بحران ژئوکالچری و بحران ژئواکونومیک تقسیم می شوند. بحران بین‌المللی سوریه از نوع بحران ژئوپلیتیک است. سه عامل واقع شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه، قرار گرفتن در کناره شرقی دریای مدیترانه و برخورداری از ۱۳۰ کیلومتر ساحل و همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق، به وضوح اهمیت ژئوپلیتیک این کشور را در مناسبات منطقه ای و جهانی نمایان می سازد. از این روی با توجه به ژئوپلیتیک محور بودن موقعیت سوریه شاهد آن هستیم که تحولات در این کشور تبدیل به مسأله ای بین‌المللی گردید و سوریه را تبدیل به میدان شطرنجی در رقابت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کرده است. جنس بحران‌ها به دو نوع بحران‌های «در» ساختار و بحران‌های «بر» ساختار تقسیم می‌شوند بحران‌های «در» ساختار موجب به چالش کشیدن و تنظیم نظام و نه تغییر ساختار نظام بین‌الملل می‌گردد، اما محصول بحران‌های «بر» ساختار، توزیع توانمندی نوین و ایجادکننده ساختارهای جدید است. از این بعد، بحران به عنوان یک فرآیند، نقشی ساختار ساز ایفا می‌کند و فرآیند، موجد ساختار می‌گردد. بحران سوریه از نظر جنس بحرانی در ساختار است که از درون دولت ملی برخاسته و به فضای منطقه‌ای و بین‌المللی سرایت کرده

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

است. بنابراین، بحران سوریه تبدیل به آوردگاهی شده که قدرت‌های بزرگ را به طور غیرمستقیم درگیر کرده است که قادر به تغییر نوع ساختار نیست، بلکه می‌تواند نوع اتحادها و ائتلاف‌ها را در ابعاد بین‌المللی دگرگون سازد. (دهشیری، ۱۳۹۵ :۱۶)

٦-۱) سوریه و قدرت‌یابی داعش

سوریه برای چند دهه به خصوص در دوره رقابت شدید ایدئولوژیکی، راهبر سیاست اعراب بوده است. این کشور در سراسر قرن بیستم برای قدرت‌ها و گرایش‌های مخالف جایزه‌ای نهایی بود. هر گرایش سیاسی یا ایدئولوژیک که در سوریه به پیروزی می رسید، به طور قطع بر صحنه سیاسی اعراب سلطه می‌یافت. این ویژگی ممتاز سوریه موجب شد به دنبال تحولات و انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱، سوریه مورد توجه جدی بازیگران مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گیرد. این شرایط فشار به دولت سوریه را برای کناره‌گیری از قدرت تشدید کرد و اعتراضات مردمی در برخی از مناطق از جمله درعا و سرکوب اعتراضات توسط دولت، بهانه را برای ورود بازیگران خارجی از جمله گروه‌های افراطی اسلامی مانند داعش و جبهه النصره و... به درگیری ها و نهایتا جنگ داخلی سوریه فراهم کرد، بطوری که در مدت سه سال حدود دو سوم خاک سوریه تحت اشغال معارضه به ویژه داعش، درآمد و موجب آوارگی میلیون‌ها سوری، کشته شدن بیش از دویست هزار نفر و تخریب شهرها و زیرساخت‌های این کشور شد. بحران سوریه و حمایت برخی کشورهای عربی و غربی از معارضان توانست فضای تنفسی خوبی در اختیار داعش قرار دهد تا با تصرف بخش‌های شرقی این کشور، شهر رقه را به عنوان پایتخت خود اعلام کند و از آنجا به سوی عراق پیشروی کند و برخی مناطق مهم عراق از جمله موسل را اشغال نماید. در حال حاضر نیز چگونگی مبارزه با داعش در سوریه درکنار حل بحران سوریه یکی از موضوعات مهم مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای می‌باشد. (ایوب، ۱۳۹۴: ۸۵)

منطقه خاورمیانه به لحاظ استراتژیک، حوزه منفعتی غیر قابل اغماض برای بسیاری از بازیگران بین‌المللی به حساب می‌آید. سوریه در بین کشورهای حاضر در این منطقه از اهمیت ژئوپلیتیکی خاصی برخوردار می‌باشد و اکنون شکل‌گیری بحران سیاسی در این کشور سبب حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مختلفی بر آن شده است که هر یک براساس منافع و علایق خود جهت‌گیری خاصی را در رابطه با این بحران اتخاذ نموده‌اند.

۷-۱) نقش سپاه قدس ایران در مبارزه با داعش

از دیدگاه سردار یدالله جوانی سرلشکر سلیمانی یک چهره شناخته شده جهانی و از یادگاران دوران دفاع مقدس است و سبک فرماندهی ایشان همان سبک فرماندهی در دوران دفاع مقدس است و نگاهی به آن دوران نشان می‌دهد که فرماندهانی مانند قاسم سلیمانی و شهدایی مانند خرازی و همت و باکری حضور

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

میدانی داشتند و در عملیات و مواقع منطقه آزادسازی مناطق، در خط مقدم حضور پیدا می‌کردند. امروز حمایت جمهوری اسلامی ایران از مردم کشورهای عراق و سوریه صادقانه است و کسانی که در این عرصه کمک و پشتیبانی می کنند و مشاوره می‌دهند، به طور طبیعی در صحنه حضور می‌یابند و این هم به صفا و صداقت و روحیه جهادی و شهادت‌طلبی آن‌ها بر می‌گردد که این راه را یک حرکت مقدس می‌دانند. امروز با توطئه‌ای از جانب آمریکایی‌ها علیه جهان اسلام و متأسفانه با بهره‌گیری از برخی ظرفیت‌های جهان مواجه هستیم. امروزه برخی منابع غربی اطلاعاتی در خصوص ارتباطات رژیم صهیونیستی با گروه‌های تکفیری - تروریستی از جمله داعش در منطقه جولان فاش کرده‌اند، به عنوان مثال وقتی ابوبکر بغدادی سرکرده داعش به صراحت اعلام می کند که دشمن ما شیعه است و ما کاری با اسرائیل (رژیم صهیونیستی) نداریم در حقیقت این همان خواسته رژیم صهیونیستی است؛ لذا این بیانگر آن است که سرکردگان این گروه‌ها سرسپردگان بیگانگان هستند و متأسفانه آن‌ها از این ظرفیت علیه جهان اسلام استفاده می‌کنند. در سایه چنین وضعیتی نیروهایی که از جمهوری اسلامی به کمک عراقی‌ها و سوری‌ها رفته‌اند، صادقانه به آن‌ها کمک می‌کنند و به این طریق نماینده گان ملت ایران در کنار برادران سوریه و عراق هستند و از آن‌ها حمایت می‌کنند تا آن‌ها بتوانند با دشمنان اسلام و فریب خوردگان مبارزه کنند که البته شاهد رقم خوردن پیروزی‌هایی در این عرصه هستیم، و به اعتقاد خیلی‌ها اگر بغداد سقوط نکرد به خاطر حضور و کمک جمهوری اسلامی ایران بود. افرادی چون سردار سلیمانی و دیگران که قدم در این عرصه گذاشته‌اند در حقیقت این راه را آگاهانه انتخاب کرده‌اند و می دانند که این مسیر خطرهایی جدی دارد و می‌تواند به شهادت و. . . منجر شود؛ لذا این صداقت و پایداری علاوه بر ایجاد انگیزه و روحیه باعث ایجاد جبهه‌ای واحد می‌شود. جمهوری اسلامی ایران به صراحت موضع خود را اعلام کرده و حتی برخی مناطق در داخل عراق و برخی مناطق کردنشین این کشور را به عنوان خط قرمز خود برشمرده است و خلاصه جمهوری اسلامی اجازه نمی‌دهد که ناامنی را به سوی مرزهای ما بیاورند.

روند تحولات هم نشان داده که هروقت حمایت‌های جمهوری اسلامی با اقدامات مردمی مناطق درگیر همراه شده نتایج مطلوب حاصل شده است و پیشروی‌های داعش در برخی مناطق نیز به نقشه‌های پیچیده موجود در منطقه برمی‌گردد که متأسفانه ترک‌ها هم در آن نقش دارند. بررسی و مطالعه روند تحرکات داعش طی چند ماه گذشته نشان می‌دهد که این گروه در سوریه با شکست‌های سنگینی مواجه شد، در حالی‌که تصور می‌کرد می داند شهرهای بزرگ را به تصرف دربیاورد و دایره نفوذ خود را گسترش دهد و حتی ساقط کردن دمشق از برنامه‌های این گروه بود، اما با شکست مواجه شد. داعش با یک توطئه پیچیده در عراق تحرکاتی را داشت و در یک دوره زمانی کوتاه موفق شد که در سه استان صلاح‌الدین، نینوا و الانبار شهرهای بزرگی مانند تکریت و موصل را تصرف کند؛ این گروه تصور می‌کرد که با شرایط به وجود آمده می‌تواند بر سامرا، بغداد و مناطق راهبردی دیگر تسلط پیدا کند. اما تحولات در ماه‌های گذشته نشان می‌دهد که حرکت داعش متوقف شده است و اگر این گروه به کوبانی و مناطق دیگر در شمال عراق

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

رفته است، در مقابل از برخی مناطق دیگر خارج شده است. جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا براین اعتقاد بود که یک توطئه بین‌المللی و منطقه‌ای در حال اجرا است. اسناد و مدارک فراوانی نیز موجود هست مبنی براین‌که پشت صحنه این گروه‌هایی که با عناوین مختلف فعالیت‌هایی را آغاز کرده‌اند، آمریکا، کشورهای اروپایی، رژیم غاصب اسرائیل و برخی دولت‌های عربی در منطقه قرار دارند. جمهوری اسلامی با چنین تحلیلی از اوضاع، خود را در کنار دولت‌ها و ملت‌های مشروع در منطقه قرار داد، در سوریه اعلام کرد که از دولت قانونی بشار اسد رئیس جمهوری سوریه حمایت می‌کند و این حمایت همزمان از ملت سوریه نیز است چون سوریه در معرض یک توطئه قرار گرفته است و همچنین عراق. مسؤولان جمهوری اسلامی ایران بارها رسما این موضع را اعلام کرده‌اند که از ملت‌ها و دولت‌های قانونی عراق و سوریه حمایت می‌کنند، این کمک‌ها نوع و کم و کیف آن به شکل حضور مستشاری، مشاوره‌ای، انتقال تجربیات بوده است.

ایران با تجارب خود در طول سی و شش سال گذشته و در دوران جنگ تحمیلی و در برخورد با گروه‌های شورشی را به ملت‌های سوریه و عراق کمک کرده است و این تجارب ملت ایران از سوی نیروی قدس سپاه پاسداران منتقل شده و توانسته مردم عراق و سوریه را به صحنه بیاورد ودرکنار دولت ها قرار داده است و بصیرت و شناخت حاصل شده است. مردم عراق بعد از یک سری تحولات در عراق به صحنه آمدند و با آموزش‌ها و تجارب و مشاوره‌ها وکمک‌های جمهوری اسلامی، توانستند حرکت داعش و دیگر گروه های تروریستی را متوقف کنند. ایران حرکت آمریکایی‌ها را اصالت‌دار نمی‌داند و معتقد است که آمریکایی‌ها در منطقه به دنبال مبارزه با تروریسم نیستند و یک دهه قبل و بعد از یازدهم سپتامبر منطقه با شعار مبارزه با تروریسم به عراق و افغانستان حمله کردند، اما نگاه آنان و هم پیمانان‌شان به تروریسم نگاه ابزاری است. اسناد و مدارک بسیار زیادی هست که گروه‌های سلفی و تکفیری در سوریه و عراق با مدیریت آمریکایی‌ها و سرویس‌های جاسوسی آمریکا واروپایی و کشورهای عربی و برخی از کشورهای همجوار سوریه و عراق شکل گرفتند و حمایت مالی و تسلیحاتی شدند و طبق فرموده مقام معظم رهبری آن‌ها نیت سالمی ندارند؛ از این رو جمهوری اسلامی درچنین ائتلافی شرکت نمی‌کند.

(https://www. mashreghnews. ir/news/353486/1400/4/11)

امروزه مبارزه با پدیده تروریسم به یک امر مبتلا به نظام بین‌المللی مبدل گردیده است، چرا که وضعیت نابه سامان ناشی از وقوع آن نه تنها موجب خدشه‌دار شدن امنیت انسانی شده، بلکه صلح و امنیت ملی و بین‌المللی را مورد هجمه خود قرار داده است. تلاش‌های سپاه قدس و به ویژه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و هم رزمانش در مقابله با داعش و نابودی این گروه تروریستی بر کسی پوشیده نیست.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

نتیجه‌گیری:

خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ فرآیندی جدید را تجربه می‌کند که این وقایع هم می‌تواند در قالب تداوم تحولات۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و هم می‌تواند به صورت مجزا و به عنوان مرحله‌ای تاریخی و دورانی جدید در این منطقه مورد مطالعه قرار گیرد. اما موضوعی که به عنوان نقطه مشترک هر دو دوره باید به آن اشاره کرد، افزایش خشونت و درگیری‌های طایفی و مذهبی در خاورمیانه است. این امر که با افزایش فعالیت جریان‌های سلفی و نو سلفی در خاورمیانه همراه شد، در تحولات اخیر سوریه و عراق جلوه عینی گسترده‌ای به خود گرفت. تحولات بیداری اسلامی در منطقه با هدف رسیدن به دموکراسی آغاز شد، اما آنچه در پی این تحولات بروز و ظهور یافت نه دموکراسی بلکه قدرت‌گیری جریان‌های تکفیری بود، در حال حاضر منطقه جنوب غرب آسیا (خاورمیانه) در کانونی از تحولات سیاسی و ژئوپلتیک قرار گرفته است که محیط‌امنیتی، امنیت منطقه‌ای، انرژی، صلح و امنیت جانی را تحت تأثیر قرار داده استاگر بخواهیم یک جمع‌بندی دقیق و منطبق بر واقعیات از نظریه‌های گوناگونی که در این حوزه منتشر شده انجام دهیم، باید بگوییم به طور دقیق مداخله نظامی آمریکا در خاورمیانه به بهانه‌ی مبارزه با تروریسم، ایدئولوژی مذهبی مبتنی بر برداشت‌های ناصحیح از اسلام، فقدان شکل‌گیری دولت- ملت مدرن و نقش بازیگران منطقه‌ای از جمله قطر و ترکیه و فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا چهار عامل اصلی و عمده‌ای بوده است که خاورمیانه را به گونه فزآینده به مکانی مناسب و مستعد برای شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی نظیر داعش در ابعاد متعدد تبدیل نموده است.

نقش بی‌بدیلی سپاه قدس در تأمین امنیت کشور و منطقه برای زدودن چهره اسلام از داعشی که به نام اسلام حرکت‌های ظالمانه انجام داده است غیر قابل انکار است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها

ـ آقابخشی. داود، فرهنگ علوم‌سیاسی، تهران: نشر نوبهار، ۱۳۷۹.

ـ آقابخشی. علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات مدارک علمی ایران. ۱۳۷۴.

ـ افتخاری. اصغر، بیداری اسلامی در نظر و عمل، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.

ـ ایوب، محمد، خاورمیانه از فروپاشی تا نظم‌یابی، ترجمه مهدی زیبایی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۴

ـ بیلیس. جان و اسمیت استیو، جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راهچمنی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳.

ـ بوزان. باری، مردم، دولت ها، هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.

ـ تاجیک. محمدرضا، روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران: مرکز بررسی های استراتژیک، ۱۳۸۳.

ـ جکسون. رابرت و گئورگ سورنسن، درآمدی بر روابط بین‌الملل، مهدی ذاکریان و دیگران، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳.

ـ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، عراق پس از سقوط بغداد، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴.

ـ رضوانی . علی اصغر، تروریسم و خشونت‌طلبی، قم: نشر مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.

ـ ساراپ. مادن، راهنمای مقدماتی بر پساساختارگرایی وپسا مدرنیسم، ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.

ـ طیب. علیرضا، تروریسم، تهران : نشرنی، ۱۳۸۲.

ـ عبدالهی. محسن؛ کیهانلو. فاطمه، سرکوب تروریسم در حقوق بین‌الملل، تهران: معاونت پژوهش، تدوین. تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۸۴.

مقالات

ـ دهشیری، محمدرضا، گلستان، مسلم، ۱۳۹۵، «الگوی رفتاری قدرت‌های بزرگ در مدیریت بحران‌های بین‌المللی سوریه در نظام تک – چند قطبی» تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۲۷. ص ۱- ۳۸.

ـ فتح‌پور. فاطمه، « الزامات مقابله با تروریسم در پرتو روند انسانی شدن حقوق بین الملل » مجله مطالعات حقوقی، دوره نهم، شماره دوم، ۱۳۹۶.

ـ نجات. سیدعلی، «راهبرد ایالات‌متحده‌آمریکا در قبال دولت اسلامی عراق و شام»، مطالعات منطقه‌ای، شماره ۵۸، ۱۳۹۴.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

منابع انگلیسی

__ Frank Trager and Michael Simson, “An Introduction to the Study of Natonal Security”, Education Program, 1973, pp37

منابع اینترنتی

__ https://www.mashreghnews.ir/news/353486/1399/4/11

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]